

سیاست های کلی خانواده و مستندات

کمیته زنان و جوانان

چکیده

خانواده سنگ بنای جامعه و نهادی پویا و زنده و زایشگر است. از ویژگی های زنده بودنش تعامل با سایر نهادهای اجتماعی و داشتن رشد و بالندگی و حرکت است. خانواده دارای جهت گیری، هدف، امید و نگاه به آینده است. از این رو ایستایی در مدار حرکتی خانواده آن را از حرکت باز می دارد و به پوچی می رساند و می میراند و سپس نابود می کند. لذا برای تداوم حرکت موزون و متعادل این نهاد مقدس بر محور ایده ها و تعالیم عالیه اسلامی باید راهبردها و سیاست های اجرایی و عملیاتی را بر اساس مقتضیات و شرایط زمان و مکان و فرهنگ غالب بر جامعه ترسیم و برای فرهنگ سازی در جامعه تدوین و ابلاغ و اجرا و نظارت و پایش نمود.

واژگان کلیدی

خانواده، سیاست گذاری، فرهنگ، اجتماع

۱- محور قرارگرفتن «خانواده» به عنوان کلمه طبیه اسلام و جاری و ساری کردن قانونی «بنیاد خانواده» در نظام برنامه‌ریزی، اجرایی و قانونگذاری کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.

اصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خانواده را واحد بنیادی جامعه اسلامی دانسته و همه قوانین و برنامه‌ریزی‌ها را در جهت آسان کردن تشکیل خانواده، پاسداری از قداست آن و استواری روابط خانوادگی برپایه حقوق و اخلاق اسلامی ضروری می‌داند.

از طرفی رهبر فقید انقلاب اسلامی می‌فرمایند:

«مسئله خانواده خیلی مهم است. بروید، ببینید در خانواده‌ها چه خبر است... طرح‌های بلندمدّت (برای خانواده) بریزید.»

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز خانواده را کلمه طبیه و یک رکن بزرگ می‌داند. این رویکرد اساسی از سوی مقام ولایت در سیاست‌های ناظر بر برنامه‌های توسعه کشور ابلاغ گردیده است لکن به دلایل ذیل شاهد تحقیق این سیاست در قوانین برنامه پنج ساله نبوده‌ایم:

ساختار برنامه با مبنا قرار دادن خانواده تنظیم نشده است.

تحقیق سیاست خانواده در قالب چند ماده محدود رهگیری شده است.

ذهنیت کارگزاران نظام براساس این استدلال اشتباه که اجرای قانون برنامه و قانون بودجه سالیانه دارای نتایج به نفع خانواده است و به تعبیر دیگر رونق کسب و کار، پیشرفت و توسعه اقتصادی و عملکرد دستگاه‌های فرهنگی کشور، همگی در جهت تحقق خواسته‌های نظام در حوزه خانواده، شکل گرفته است.

حال آنکه اگر ساختار برنامه‌ریزی و قانونگذاری کشور براساس شناخت آرمان‌ها، نیازهای آسیب‌ها، چالش‌ها و توانایی‌ها و کارکردهای خانواده و محور قرار دادن آن باشد، قطعاً به مجموعه‌ای از موضوعات منجر می‌شود که نظام برنامه‌ریزی و قانونگذاری با نگاه کلی به این حوزه به آن دست نیافته و نخواهد یافت.

به همین دلیل موضوعاتی نظیر ازدواج و ساز و کار اقتصادی و فرهنگی آن، مشاوره، آموزش، تکالیف قانونی دستگاه‌ها و ... بسیاری موضوعات دیگر مورد غفلت واقع می‌شود.

توضیح آنکه:

«برنامه‌های توسعه» براساس «مدل غربی» و تعریف «توسعه» طراحی شده‌اند. مدل اسلامی که با واژه‌هایی نظیر «عدالت» و «پیشرفت» معرفی شده‌اند و کانون آن حرکت از «محتوا» به سمت «شکل» می‌باشد و اولاً به «معنا» توجه دارد و «امکانات» را معدّات تحقق معنا می‌داند، طراحی نشده است و این نیاز اصلی کشور برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی است. به همین خاطر «خانواده‌ای» که براساس مدل موجود در برنامه رهگیری می‌شود هیچ‌گاه نمی‌تواند آرمان‌های بلند جمهوری اسلامی ایران درباره خانواده را محقق سازد.

بر این اساس، «خانواده» باید نقطه عزیمت و محک راست‌آزمایی همه قوانین و برنامه‌های کشور قرار گیرد.

ضورت‌ها و توصیف وضع موجود:

خانواده از محیط اقتصادی سالیانه بین ۲۰-۳۰ درصد تحت تأثیر قرار می‌گیرد و این وضعیت در سال ۱۹ به نزدیک صد درصد رسیده است.

این کاهش قدرت خرید در محیط روحی- روانی خانواده اختلالات، کشمکش‌ها و آسیب‌های جدی وارد کرده و روابط و تعاملات درون خانواده را تحت تأثیر قرار داده است.

منتظر و مناسب با سیاست‌های ابلاغی برنامه‌های توسعه کشور و «اهداف و اصول تشکیل خانواده و سیاست‌های تحکیم و تعالی آن» مصوب ۴۸/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی، در قانون برنامه توسعه کشور و قانون بودجه سالیانه موادی گنجانده نشده است و صرفاً در موادی به زنان سرپرست خانواده، خانواده ایثارگران و مددجویان کمیته امداد اشاره شده و جامعیت مصوبات فوق الذکر در این قوانین وجود ندارد. این به معنای نادیده گرفتن عملکرد بسیاری از نهادهای کشور در حوزه خانواده نیست، لکن محل بحث، نگاه نظاممند به حوزه خانواده در قوانین بالادستی کشور است.

ニازهای جدید خانواده نظیر آموزش، مشاوره، دغدغه‌های ازدواج و اشتغال فرزندان و هزینه‌های نوظهور نظیر رایانه، اوقات فراغت، آموزش‌های تکمیلی و مهارتی و ... افزون بر هزینه‌ها و نیازهای قبلی بوجود آمده است که نظام برنامه‌ریزی کشور این بخش از هزینه‌ها را مورد توجه قرار نمی‌دهد.

۲- مهندسی مجدد «خانواده» در جامعه اسلامی با مفهوم وسیع آن در قالب ارتباطات، حقوق و مسئولیت‌های فردی و جمیع متقابل دینی و بازتعريف کارکردهای خانواده در همه عرصه‌های فرهنگی، تربیتی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به عنوان فرصتی بی‌بدیل و ممتاز در ایران اسلامی.

تعاریف گوناگونی برای خانواده ارایه شده است. کانون رویکرد متفکرین غربی به خانواده، «نهادی» و «کارکردی» است. این دانشمندان، در آثار خود خانواده را از نظر یک «نهاد اجتماعی» دارای «کارکردهایی» معروفی می‌کنند که تابعی از نگاه «اومنیستی» در حوزه فردی و «لیبرالیستی» در حوزه اجتماعی است. رویکرد اندیشمندان ایرانی را نیز می‌توان به چند گروه تقسیم نمود:

- برخی مبنای تعاملات خانواده را صرفاً «احکام فقهی» می‌دانند.

- برخی نخبگان روحانی «فقه» و «اخلاق» را در هم می‌آمیزند.

- برخی نخبگان روحانی مبانی و جهان‌بینی اسلامی را بازخوانی کرده و معتقد‌ند نظام حقوقی اسلام در حوزه خانواده باید بر اساس آن طراحی شده و اجتهاد مناسب با مقتضیات و شرایط زمان و مکان در حوزه خانواده صورت پذیرد.

- اساتید و صاحب نظران دانشگاهی نیز حوزه نیازها و کارکردهای خانواده مناسب با جامعه ایران را مورد عنایت قرار داده‌اند و تلاش می‌کنند تا این نیازها و کارکردهای تعریف شده در علوم انسانی را با شرایط ایران تطبیق دهند.

* * *

واقعیت آنست که خانواده در اسلام می‌تواند دارای مفهومی وسیعتر از آنچه در بسیاری از تعاریف صورت گرفته باشد و دایره آن به خویشاوندان سببی و نسبی گسترش یابد. همچنین جهان‌بینی و اصول اخلاقی اسلام اگر در این حوزه، نقطه عزیمت مهندسی اجتماعی قرار گیرد، خانواده، محور این مهندسی جدید خواهد بود و همه عرصه‌ها را متاثر از خود می‌سازد.

«خانواده هسته‌ای» و «زندگی هسته‌ای» قابلیت حمل آرمان‌ها و پیام‌های رفیع اسلامی را ندارد. آن‌چه فرآیند «تربیت» و «صیانت» اجتماعی را ممکن می‌سازد، ارتباطات و مناسبات گسترده خانوادگی و خویشاوندی و به تبع آن تعریف مدل و سبک زندگی اسلامی - ایرانی بر پایه‌ی آن است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

نقشه عزیمت «مهندسی اجتماعی ایران» از شناخت نهادی و کارکردی خانواده و بسط آن در ساحت جامعه و عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی صورت نپذیرفته است.

مهندسی مجدد «خانواده» در جامعه اسلامی ایران یکی از حلقات طراحی «سبک زندگی اسلامی ایرانی» و «الگوی پیشرفت جامعه اسلامی» است.

این موضوع تا حدی مورد غفلت واقع شده که واژه «خانوار» به معنای زندگی فرد یا گروهی (صرف‌نظر از پیمان زوجیت و جنسیت) در یک محل سکونت در آمار و برنامه‌ریزی کشور استفاده می‌شود و رفتارفته و به اشتباه به جای واژه «خانواده» به کار می‌رود و این آغاز زاویه بین جهت‌گیری رهبری نظام با نظام برنامه‌ریزی کشور است.

۳- تبلیغ، ترویج و تسهیل تشکیل خانواده، نشو، نما و تربیت فرزندان و نفی تجرّد در جامعه.

نقشه آغازین ایجاد خانواده، ازدواج است. خانواده از نظر نحوه ایجاد، در بین نهادهای اجتماعی، منحصر به فرد می‌باشد. انگیزه تشکیل خانواده طبیعی، حودآگاهانه و خودخواسته است.

در جوامع اسلامی، به خاطر رواج ازدواج به تبعیت از سنت نبوی (ص)، رغبت به ازدواج یک فرهنگ پذیرفته شده است.

در این بین دو پدیده در جامعه ما قابل مشاهده می‌باشد:

- افزایش سن ازدواج

- عدم تمایل به باروری حداقل در سال‌های نخست ازدواج.

این دو پدیده پیش از آن‌که معلول شرایط اقتصادی و میزان اعتقادات دینی باشد، مربوط به تقدم رؤیای مدرنیته بر واقعیت آن در جامعه ایران است. برخی از لایه‌های اجتماعی ایران براین باور شده‌اند که اهداف فردگرایانه (خودخواهانه) و لذت‌جویانه آنها با ازدواج و فرزندآوری قابل جمع نیست و ازدواج در صورتی که در مقابل با این خواسته‌ها قرار گیرد

باید حداقل به تأخیر بیافتد. این دو پدیده با گسترش ایده آل‌های دست نیافتنی و فردگرایی بدون دخالت مصالح جمیعی در ازدواج تشدید شده و پس از ازدواج نیز یکی از عوامل طلاق می‌باشد.

در چنین شرایطی مفهوم و جهت‌گیری تبلیغی و ترویجی و مفهوم تسهیل ازدواج و عوامل استمرار خانواده با شناخت این واقعیت موجود که متناسب با گسترش رسانه‌های جدید روبه تزايد است. تغییر یافته و باید ابتدا شناخت جامعی نسبت به عوامل فکری افزایش سن ازدواج و کاهش باروری پیدا نمود تا تبلیغ و ترویج و تسهیل به هدف اصابت کند.

تأسیس این سیاست در مجموعه سیاست‌های خانواده، شرط مقدماتی ورود به مبحث خانواده است. همچنین تحقق اندیشه‌ها و راهبرد رهبری نظام درباره «جمعیت» از طریق الزام به اجرای این سیاست میسر خواهد بود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- در سال ۱۳۹۰ میانگین سن ازدواج مردان ۶۲/۷ و زنان ۳۲/۴ بوده است. این میانگین نسبت به سال ۱۳۵۵، در مردان ۲/۶ سال و در زنان ۳/۷ سال افزایش یافته است.

- بعد خانوار در کل کشور در سال ۱۳۹۰ به ۳/۵۵ نفر رسیده است. حال آنکه این رقم در سال ۱۳۵۵، ۵/۲۰ نفر بوده است.

- افزایش سن ازدواج و کاهش بعد خانوار در ایران دو پدیده جدید است که تأثیر آن در وله نخست در نهاد خانواده و سپس در همه عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کشور قابل مشاهده خواهد بود.

- افزایش نرخ طلاق، تأثیر منفی در فضای روانی جوانان برای مبادرت به ازدواج می‌گذارد.

- فراهم آوردن مقتضیات، رفع موانع و زدودن آسیب‌ها و چالش‌های «تحکیم خانواده»، فرهنگ‌سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی‌ترین عامل استواری خانواده با محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودّت و رحمت» متقابل برای «آرامش و سکینه» و تحکیم پایه‌های زندگی.

اسلام خانه و خانواده را محل تربیت، سکونت و آرامش روانی و تکامل انسان می‌داند. مهم‌ترین اصولی که اسلام برای تأمین این اهداف تأسیس نموده است (۱) عبارتند از:

- اصول اخلاقی برای تشکیل و تحکیم خانواده

- حسن معاشرت و روابط اخلاقی در جامعه و خانواده

- حقوق و مسئولیت‌های متقابل بر پایه مؤدت و انصاف و خدمت و احترام

- تعریف و تحدید معاشرت و اختلاط زن و مرد نامحرم در جامعه و نفی بی‌بند و باری

مسئله‌ای که علامت به وجود آمدن یک بیماری در جامعه است افزایش تمایلات مادی و دعوای خانوادگی است که به صورت فزاینده با موضوع مسائل اقتصادی و اخلاقی واقع می‌شود.

این علائم به عنوان شاخص‌هایی هستند که به هر میزان که شایع شده باشند نشان از رشد یک بیماری مخرب و مغایر با کیان خانواده دارد. برنامه‌ریزی‌های کشور در حوزه‌های فرهنگی، آموزشی و تربیت اجتماعی باید بر محور ترویج تعاملات اخلاقی و نفی هرگونه رفتارها و مظاهری که به اخلاقیات لطمه وارد می‌کند، طراحی شود.

همچنین شاهد هستیم که برخی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها بدون الگوی رصدکننده برای بررسی تأثیر نتایج تصمیمات بر روابط اخلاقی و استحکام عاطفی خانواده صورت می‌گیرد. مورادی نظری نیاز به دوسله شدن مردان و یا افزایش ساعت کار برای تأمین معاش، نمایش دعوای سهم‌الارث بین فرزندان با پدر خود در زمان حیات، عدم وفاداری زوجین به یکدیگر و ... شواهدی بر این مدعاهستند.

ضورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- افزایش دعوای خانوادگی و دلایل طلاق عاطفی و طلاق رسمی

- فقدان ساز و کار رصد تأثیر نتایج برنامه‌ها و تصمیمات در عرصه‌های گوناگون بر استحکام اخلاقی و عاطفی خانواده.

۱- این اصول از مجموعه فرمایشات امام راحل (ره)، رهبر معظم انقلاب، استاد شهید مطهری (ره) و دیگر بزرگان فکری و همچنین مصوبه ۸۴/۴/۷ شورای عالی انقلاب فرهنگی استنباط شده است.

۵- شناسایی و ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه‌های باطل از آن و مقابله دائمی با تهدیدات و تهاجم فرهنگی و مؤلفه‌ها و عملکرد مخرب ضدفرهنگی غرب در مورد خانواده و سبک زندگی خانوادگی اسلامی - ایرانی.

فرهنگ اسلامی - ایرانی، آداب و سنت ممتازی در حوزه ازدواج و خانواده، از مرحله همسرگزینی تا تربیت فرزندان دارد. این آداب و سنت به سان منظومه‌ای بر کانون پاسداشت از نهاد خانواده بنا شده‌اند. شایستگی‌های اخلاقی و فضیلت‌ها، نفی ارزش‌گذاری مادی در ازدواج و آسان‌گیری در تشکیل زندگی و توجه به آرمان‌های ازدواج و خانواده و استكمال معنوی در سایه آن و ... ظرافت‌های این فرهنگ غنی است.

تهاجم فرهنگی غرب، با کشف حجاب و تحمیل فرهنگ غربی بر ذهن مردمان ایران این تعادل را بر هم زد و با گذشت بیش از نواد سال همچنان با توسعه ابزار رسانه‌ای و گسترش ارتباطات جهانی بر این شیوه اصرار دارد.

بی‌بند و باری، دوست‌یابی از جنس مخالف، تمایل به تجرد، تغییر الگوی همسریابی و ازدواج، تجمل و تشریفات و مادیات در ازدواج و خانه و خانواده، عدم وفاداری زوجین به یکدیگر و ... که با شدت و ضعف در جامعه قابل مشاهده است همگی رسوبات این فرهنگ غربی می‌باشد.

راه برون رفت از این وضعیت و جلوگیری از تشدید آن، تکیه بر ارزش‌ها و سنت‌های اصیل و ناب اسلامی - ایرانی و نشر و گسترش آن از طرق گوناگون است.

متأسفانه در چنین شرایطی برقی با ظاهری اسلامی و برقی صاحبان ثروت، نشردهندگان رفتارهای غلط و مخرب در حوزه ازدواج می‌باشند که در تقابل با سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی - ایرانی قرار می‌گیرند. تداوم این رویه و عدم مبارزه با آنها، موجب اختلال در برداشت‌های مردم و سردرگمی در انتخاب راه و تغییرات غلط در سبک زندگی اسلامی - ایرانی می‌شود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- پیرایه‌های باطل و درخواست‌های دست نیافتنی موجب دلسُرده‌ی، واگرایی و عدم امکان ازدواج و یا حداقل تأخیر طولانی آن در بین جوانان شده است.

- نمایش ازدواج‌های خانواده‌های اشرافی در غرب و فیلم‌های ایرانی مروج این نوع ازدواج‌ها،

در کنار عملکرد برخی که بعضاً با ظاهری اسلامی، تجمل و تشریفات را اشاعه می‌دهند، موجب دوری از سنت‌ها و ارزش‌های متعالی ازدواج و سبک زندگی اسلامی – ایرانی می‌شود.

۶- آسیب‌شناسی و نیازسنگی مستمر مسایل خانواده به منظور ایجاد پشتونه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوقی و برنامه‌های کشور.

خانواده یک نهاد زنده و زاینده است. رشد، حرکت و تعامل با سایر نهادهای اجتماعی از ویژگی‌های زنده بودن خانواده می‌باشد. به همین دلیل نه می‌شود و نه جایز است که از حرکت بازایستد. این ویژگی موجب می‌شود تا خانواده به طور دائم با نیازها، چالش‌ها و آسیب‌هایی روبرو باشد که متناسب با تنوع، تغییر و توسعه زندگی، دگرگون شده و مسایل جدیدی حادث می‌گردد. در این بین خانواده باید از توانایی برای مواجهه با این تغییرات پر شتاب برخوردار شود.

اینها همان نوع مباحثی است که در اجتهاد شیعی تحت عنوان «مقتضیات» و «شرایط زمان و مکان» از آنها یاد می‌شود.

اصلاحاتی که در همین حوزه پس از پیروزی انقلاب صورت گرفته نظریه ارث زن از عرصه و اعیان، حضانت، شروط خصم عقد ناشی از این نگاه بوده است.

مسایل فراوان دیگری نیز وجود دارد یا در راه است و موضوعاتی نظریه معاوضت زوجین در مدیریت زندگی و تربیت فرزندان، کیفیت و کمیت حضور مرد در خانه، اجازه خروج از منزل زنان و ... برخی از این موضوعات هستند.

از طرفی آسیب‌های روانی، جسمی، اقتصادی و موارد متوجه نحوه ارتباط اعضای خانواده با یکدیگر و تنظیم روابط با محیط بیرونی نیز بخش دیگری از این موضوعات را تشکیل می‌دهند.

این‌ها نشان‌دهنده ضرورت مطالعه مستمر آسیب‌ها و مسایل خانواده هستند. «آسیب‌شناسی و نیازسنگی مستمر مسایل خانواده» پیش از آن که یک اقدام باشد یک جهت‌گیری و پایه‌ریزی علمی برای تحقیق سیاست‌های خانواده است و از این رو باید یک "سیاست مستمر" نظام تلقی گردد. باید توجه داشت موضوع "آسیب‌شناسی" از چنان اهمیتی برخوردار است که در نظام دانشگاهی دارای جایگاه علمی است و محققین بسیاری در این حوزه، فعالیت می‌کنند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- مسائل جدیدی در حوزه خانواده به وجود آمده و خواهد آمد. متأسفانه نگاه روزآمد نسبت به مسائل خانواده در حوزه‌های فقهی، حقوقی، تربیتی و اقتصادی متناسب با این تحولات به وجود نیامده است.

- افزایش پدیده‌هایی نظیر ناسازگاری، طلاق، اختلال تربیت فرزندان و ... که ریشه در عدم پاسخ‌گویی به نیازهای جدید خانواده دارد در صورت درمان بدون مطالعه و عدم توجه به ریشه‌های آن، لطمات جبران‌ناپذیری به اساس جامعه اسلامی وارد می‌سازد.

۷- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد ساز و کارهای تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.

«نظام حقوقی خانواده» در ایران در قالب «قانون خانواده» و «قانون مدنی» و برگرفته از «احکام شرعی» تنظیم شده است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند آن‌چه در «احکام شرعی» آمده است از دو جهت قابل نقد و ارزیابی می‌باشد:

۱- برخورداری از یک نگاه جامع و نظاممند به طوری که بتوان از آن به عنوان «نظام خانواده در اسلام» یاد کرد.

۲- میزان انطباق با مقتضیات و شرایط زمان و مکان

واقعیت آن است که فقهای بزرگوار شیعه در طول تاریخ از دریایی بیکران میراث گران‌سنگ نبی‌اکرم (ص) به فراخور نیاز مکلفین و مجموعه‌ی مباحث اصولی و قواعد فقهیه و ظرافت‌ها و لطایفی که در آن وجود دارد به بیان احکام شرعی پرداخته‌اند. فاصله دخالت عوامل متعدد در این استنباط‌ها و اجتهادها، نظیر آرای فقهی در «حوزه مباحث ولایت فقیه» از نفی تا اثبات، آن‌چنان که در زمان حیات امام خمینی (ره) در نفی و اثبات نظری و عملی نظریه «ولایت فقیه و حکومت اسلامی» ایشان وجود داشت، می‌باشد. در حوزه خانواده نیز اگر تأمل جدی توسط عالمان دینی صورت پذیرد وضع به همین‌گونه است. آنچه در مورد ارت زن از عرصه و اعیان باعنایت رهبر معظم انقلاب انجام گرفت و موجب اصلاح «قانون» گردید شاهدی بر ادعای فوق است.

در این بین دو اشکال وجود دارد: یکی آنکه اگر به همین روش تجدیدنظرهایی صورت

گیرد، مجموعه حقوق خانواده از نگاه جامعی برخوردار نخواهد بود. دوم آن که در بسیاری مواقع تجدیدنظرها آنقدر دیر انجام می‌شود و فرصت‌سوزی رخ می‌دهد که آسیب‌ها و آفات اجتماعی و ... مجال برای دشمنان جهت رخنه در بیان‌های فکری به وجود می‌آورد.

نکته دیگری که باید توجه داشت اصلاح رویه‌های اجرایی و ایجاد ضمانت‌های لازم و تأمین عدالت قضایی در مرحله "اجrai احکام" است. گزارش‌ها حاکی از اختلال بسیار در این مرحله می‌باشد. این امر موجب شده تا «حکم قاضی» مورد آسیب‌های جدی در مرحله اجرا قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- اصلاحات موردنی «قانون»، جامعیت را از پیکربندی آن سلب می‌کند. همچنین بسیاری از اصلاحات آنچنان دیرتر از ضرورت‌ها صورت می‌گیرد که آسیب‌های جدی به واسطه این تأخیر به وجود آمده است.

- برخوردهای سلیقه‌ای و شخصی در حوزه اجرای احکام، امید به «عدالت» را از جامعه سلب می‌کند.

- بازنگری و تعیین تکالیف و اصلاح ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی ذی‌ربط برای تأمین مفاد بند ۱ و مسئولیت‌های ناشی از وظایف مصّرّح در این سیاست‌ها.

خانواده یک نظام درون‌گرا نیست و با محیط بیرونی خود از جمله نهادهای اجرایی کشور در ارتباط دائمی است. در این بین از آن‌جا که خانواده با مراجعه به اسناد بالا دستی در این سیاست‌ها به عنوان «محور» تعیین شده است باید نسبت هریک از این نهادها با خانواده تعریف و وظایف و تکالیف به وجود آمده ناشی از این نسبت را به هریک از آنها واگذار نمود.

در تجربیات گذشته نظام نیز شاهد بوده‌ایم که در موضوع «محیط زیست» و همچنین در بند (ج) ماده ۱۴ قانون برنامه پنجم توسعه در موضوع «جوانان» به همین صورت عمل شده است.

آن‌چه اکنون وجود دارد در بهترین شرایط مربوط به کارگزارانی است که هرچند وقت یکبار در رأس یکی از دستگاه‌های اجرایی قرار می‌گیرند و تصمیماتی در حوزه خانواده اتخاذ می‌نمایند، که گرچه در جای خود قابل تقدیر است، لکن این موضوع به عنوان یک وظیفه

سازمانی که به موجب آن برنامه و بودجه دستگاه از آن متأثر شود وجود ندارد.

حقیقتاً با رویکرد «ساختاری» به «نهاد خانواده»، یکی از حلقات این رویکرد، تعیین وظایف و تکالیف قانونی دستگاهها خواهد بود. در این صورت به عنوان مثال:

- تشکیلات مسؤول در امر گردشگری، مکلف خواهد بود «سفر ارزان خانواده» را مدیریت نماید.

- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه ساماندهی استفاده از امکانات فرهنگی - هنری را برای خانواده‌ها خواهد داشت.

- وظیفه دستگاه تبلیغ دینی تبیین نقش "روحانیت در ارتباط با نهاد خانواده" خواهد بود.

- وزارت ورزش و جوانان وظیفه تدارک ساز و کار مناسب برای، استفاده از جاذبه‌های ورزشی را برای "خانواده‌ها" خواهد داشت.

- دستگاهی برای ساماندهی امر مشاوره خانواده‌ها تعیین می‌شود.

اینها گوشه‌ای از موضوعات فراوانی است که باید به صورت تکلیف قانونی به دستگاه‌های مسؤول سپرده شوند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

خطابات رهبری نظام و سیاست‌های برنامه‌های کشور، تکالیف قانونی برای دستگاه‌ها ایجاد نکرده و این رهنمودهای رفیع معطل مانده است.

۹- تعیین شاخص‌های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ‌سازی و ارتقای کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن.

کیفیت حضور و روابط زن و مرد در جامعه، یک نماد هویتی اسلامی است که ثمره آن پاک بودن محیط جامعه و مصون ماندن خانواده از آسیب‌های ناشی از فقدان آن می‌باشد. بیش از سه دهه تجربه در صیانت از این «نماد هویتی» آموزه‌های قابل تأملی به ارمغان آورده است.

مسئله حائز اهمیت، تعریفی است که باید از "نحوه" حضور زن و مرد و "کیفیت" روابط دو جنس در جامعه اسلامی ارایه نمود. این تعریف با بسیاری از واقعیت‌های زندگی اجتماعی در ارتباط است و باید شرایط جدید زندگی اجتماعی را لحاظ نماید. اشتغال، تحصیل، ایاب و

ذهب، تفریحات، اماکن عمومی، خرید و فروش، امور پزشکی، امور اداری، پیگیری قضایی، گستردگی و تنوع مشاغل زنان و لوازم آن است و بسیاری موارد دیگر واقعیت‌های غیرقابل بازگشت می‌باشند. این تعریف، برای اجرایی شدن محتاج به شاخص‌هایی است که هم در مقام «عمل» و هم «ارزیابی وضعیت» به کار می‌آیند.

این شاخص‌ها، به روشنی می‌توانند «حدّ توقع» از چگونگی روابط زن و مرد را متناسب با زنان و مردان متأهل یا مجرد و اماکن و موضوعات مختلف در حوزه‌های گوناگون بیان کنند و اندازه‌گیری نمایند.

در این بین، نهادهای ذیربسط با تعیین وظایف جدید در این موضوع، باید با استفاده از تجربیات گذشته و با نگاه علمی، به لحاظ روش جاری و ساری کردن این شاخص‌ها در ساحت جامعه، به ارتقای کیفی منابع انسانی و ساختاری خود مبادرت ورزند.

باید توجه داشت این یک تلاش مستمر است که متناسب با شرایط پیش رو باید همواره در دستور کار نهادهای حکومتی قرار گیرد.

ضورت‌ها و توصیف وضع موجود:

متأسفانه برخوردهای سلیقه‌ای، نگاه‌های بعضاً غیرعلمی، اختلافات سیاسی و شرایط کشور بر این حوزه هویتی جامعه اسلامی تأثیرات سوئی گذاشته است.

نحوه عمل در این حوزه پشتوانه لازم کارشناسی دینی، تربیتی و اجتماعی نداشته است.

۱- باز تعریف مدل «خانواده، محله‌ی زندگی، مسجد» و برجسته کردن کارکردهای آنها برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی و صیانت از جامعه.

بی تردید "مهندسی فرهنگی" در ایران با استفاده از "ارکان ساختار اجتماعی" جامعه اسلامی شدنی خواهد بود. "خانواده،" " محله" و "مسجد" سه رکن بی بدیل این ساختار در جامعه ما هستند. پیوندهای ریشه‌دار و نقش تاریخی این ارکان در جامعه سازی در ایران قابل ستایش است. صیانت از هویت دینی جامعه، خودگردانی و درون زا بودن اقتصاد ایران، مقاومت در برابر بیگانگان، انتقال مواريث و ارزش‌های فرهنگی از نسلی به نسل دیگر، مثال‌هایی برای این قله‌های افتخار هستند.

در چند دهه اخیر با "گسترش آپارتمان نشینی"، و توسعه بدون توجه به الگوهای شهر سازی اسلامی - ایرانی، این پیوند در بخش‌هایی از شهرهای بزرگ سست شده است. همسایگی،

زندگی در محله، وجود مسجد در محله‌ها در این سبک غلط زندگی جدید از یاد می‌روند. امروز کارکردهای این سه رکن (خانواده، محله، مسجد) بیش از گذشته مورد نیاز است. این سه رکن در تعامل با یکدیگر به اصلاح، تکمیل و هم افزایی در صیانت از فرد و جامعه می‌پردازند. بسیاری موضوعات اساسی که دغدغه مسؤولان نظام می‌باشد با احیاء پیوندهای این ارکان می‌تواند مدیریت شود.

بر این اساس، این یک سیاست جامع خواهد بود که بخش‌های شهرسازی، سازمان‌ها و نهادهای دینی - فرهنگی و مدیریت شهری را در بر می‌گیرد و می‌تواند به مهندسی مجدد نظام اجتماعی در ایران و صیانت از خانواده، ارتقاء هویت اسلامی- ایرانی و سازماندهی اجتماعی ایران برای برخورد با بحران‌های مختلف بیانجامد. در این بین، نباید از نقش برخی نهادهای جدید نظیر فرهنگسراه‌ها غافل بود. این قبیل نهادها قابل هضم در این مهندسی خواهند بود و می‌توان پیوندی هدفدار بین مسجد و آنها (فرهنگسراه‌ها و ...) برقرار نمود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

شهرهای بزرگ کشور، به جامعه‌ای بی دفاع و بدون ارتباطات اجتماعی موثر تبدیل شده‌اند.

ساخت هویتی جامعه از رهگذر پیوند خانواده، محله و مسجد مدیریت می‌شوند.

۱۱- تأمین نیازهای اقتصادی و اشتغال مولد برای خانواده و طراحی ساز و کارهای مناسب برای کاهش دغدغه‌های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای بانشاط و شاداب برای خانواده‌ها

خانواده نقش محوری در همه عرصه‌ها را می‌تواند داشته باشد. این یک شعار نیست بلکه واقعیت تجربه شده است. "انقلاب اسلامی" و "دفاع مقدس" دو جریان مثال زدنی در تاثیر خانواده بر اصلی‌ترین مسایل یک ملت می‌باشد. ساختار انقلاب، بی‌نظیر و ممتاز است. این انقلاب، با حضور همه جانبه خانواده‌ها به ثمر رسید. این درحالی است که بسیاری از حرکت‌های اجتماعی از طریق احزاب، گروه‌های مسلح، رسانه‌ها، بنگاه‌های اقتصادی و... بوجود آمده و هدایت می‌شوند. حتی پیوستن ارتش به انقلاب را می‌توان در فرآگیر بودن انقلاب در خانواده و تحت تاثیر قرار گرفتن نیروهای نظامی از خانواده خود ارزیابی نمود. در دفاع مقدس نیز وضعیت به همین گونه است. اوج این رشدات‌ها را می‌توان در مقاومت خرمشهر، و در پایداری شهرها با عدم ترک خانه‌های خود و در سهم بری همه اعضا خانواده از باع شهادت ارزیابی نمود.

در موضوعات متعددی نظری مدیریت مصرف، ارتقاء علمی کشور، افزایش یا کاهش جمعیت و تبعیت از سیاست‌های کشور در حوزه‌های مختلف نیز وضعیت به همین گونه است.

توجه به این نکته ضروری است آنچه مطمح نظر است خانواده به عنوان یک مجموعه و به تعییر دیگر "خانواده به ما هو خانواده" است ونه افرادی که با هم زندگی می‌کنند. خانواده دارای یک روح جمعی و شخصیت جمعی است که به افراد خود و جامعه تاثیر گذار می‌شود.

بر این اساس، همچنان باید به این منبع بی بدیل تکیه نمود وسیاست‌ها و برنامه‌ها بگونه‌ای تنظیم شوند که بتوان از مجرای خانواده و با جلب مشارکت خانواده به اهداف بلند نظام دست یافت. پیشنهاد این بند در ادامه بند اول پیشنهادی که خانواده را محور و به عنوان نهادی قانونی معرفی می‌کند می‌باشد واز آثار اجرای آن است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- توانایی‌های خانواده یک سرمایه اجتماعی بی بدیل است که در موقعیت‌های مختلف، کارهای بزرگی را به انجام رسانده است.
- حدود بیست میلیون خانوار ایرانی در هر موضوعی می‌توانند به سان یک "سازماندهی اجتماعی" وارد عمل شوند.
- ۱۲- جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی.

خانواده دارای استعدادهای با ارزشی است که در صورت رفع موانع و آزاد شدن انرژی موجود در آن می‌تواند تحقق آرمان پیشرفت اسلامی - ایرانی را موجب گردد.

این استعدادها و انرژی نهفته آن، باید شکوفا و آزاد شود. این شکوفایی در محیطی توام با آرامش، شادابی و نشاط و "تمرکز" در نقش‌ها و کارکردهای رفیع خود و رفع موانع حاصل می‌شود. این تعییر از آزادی (عدم مانع بر سر راه شکوفایی استعدادها) ریشه در جهان‌بینی اسلامی دارد. برخی از موانع بر سر راه خانواده در بندۀای پیشین (۷، ۶، ۵) بررسی گردید. یکی از موانع دیگر "دغدغه‌های آینده فرزندان" است. گرچه این توجه وجود دارد که وجود این دغدغه اصالتاً یک انگیزه برای حرکت رو به جلو و موجب تحکیم پیوندهای خانوادگی می‌باشد. لکن این امر در صورت "دستیابی در برابر تلاش" مفید خواهد بود. در صورتی که این موضوع صرفاً دغدغه‌ای توام با اضطراب، عدم دستیابی و پر غصه باشد ویرانگر می‌شود و

خانواده را از کارکردهای اصلی خود دور می‌سازد. اینجاست که در بند یک همین سیاست‌ها " نقطه عزیمت " نظام برنامه‌ریزی کشور، خانواده دانسته شد. یکی از وجوده این نقطه عزیمت، آن است که همه دستگاه‌ها و نهادهای کشور به کمک خانواده بیایند تا دغدغه‌های آنان درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان همراه با " دستیابی به نیازها " شود. در شرایط کنونی، پدران و مادران با سال‌ها تلاش حداکثر از عهده تامین مسکن برای خود، هزینه‌های زندگی و تحصیل فرزندان بر می‌آیند و نگرانی و تلاش آنها برای آینده فرزندان خود به اضطراب و عدم دستیابی تبدیل می‌شود. رهبر معظم انقلاب نیز در سیاست‌های ابلاغی خود در برنامه‌های توسعه کشور به درستی " رفع دغدغه‌هایی از قبیل ازدواج و آینده شغلی و علمی جوانان " را مطالبه نموده‌اند. مثال‌های متعددی نظیر الگوی " حج " در مالزی، " وقف " در سنت‌های اسلامی، و نظام زندگی عشیره‌ای در ایران وجود دارد که نشان می‌دهد در صورت توجه به این مسئله می‌توان به یک الگوی اجرایی دست یافت. متأسفانه شاهدی برای این الگو در عملکرد دستگاه‌های اجرایی کشور یافت نمی‌شود. بر این اساس، باید این موضوع سر لوحه برنامه‌ریزی و فعالیت ارکان کشور و دستگاه‌های مسئول قرار گیرد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- آزاد شدن انرژی خانواده و استفاده از آن در رفیع ترین مسایل نظام اسلامی، محتاج کمک به رفع دغدغه‌های خانواده‌ها درباره آینده فرزندان خود می‌باشد.

۱۳- آموزش «مسائل ازدواج و خانواده» در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذیربطر متناسب با سن و جنس

ریشه یابی علت اختلافات خانوادگی و وقوع طلاق، یکی از مسایل اصلی را فقدان " آگاهی‌های " لازم نزد زوجین معرفی می‌کند.

این آگاهی‌ها مسایل متنوعی را شامل می‌شود که متناسب با جنسیت، مقاطع مختلف سنی، مراحل مختلف خانواده و مناطق شهری و روستایی و خرده فرهنگ‌های مختلف قابل شناسایی می‌باشند.

حضرت امام (ره) در این باره می‌فرمایند:

"مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند."

موضوعاتی نظیر فلسفه ازدواج و خانواده و اهمیت و قداست آن، آگاهی‌های جنسی هر یک از دو جنس درباره خود در دوره بلوغ و پس از آن، بهداشت جنسی، آگاهی درباره آسیب‌های بهداشتی، تربیتی و روانی در ارتباطات جنسی و ... برخی از عناوینی است که در دوره نوجوانی و جوانی باید آموزش داده شوند. همچنین مهارت‌های زندگی، حقوق و تکالیف زن و مرد در خانواده، اصول اخلاقی در زندگی مشترک، تعلیم و تربیت فرزندان و ... نیز آگاهی‌های مورد نیاز در دوره‌های بعدی است.

مطلوب اصلی آن است که دستگاه‌ها و نهادهای مسؤول از قبیل نظام رسمی تعلیم و تربیت (مدرسه و دانشگاه)، رسانه ملی، نهاد روحانیت، دستگاه‌های فرهنگی، باید بطور هماهنگ در این زمینه فعال شوند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- عدم آگاهی درباره مسائل خانواده یکی از علل اصلی در بروز اختلافات و طلاق می‌باشد.
- این آموزش‌ها و آگاهی‌ها در هیچ یک از دستگاه‌ها و نهادها انجام نمی‌گیرد. در برخی موارد که اقداماتی شده، محدود، ناقص و غیر مستمر بوده است.
- ۱۴ سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاوره‌ای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایت‌های بیمه‌ای، تربیت مشاور و ساماندهی ساختار مشاوره‌ای.
- زندگی جدید، مسائل پیچیده و نیازهای متنوع و متعددی با خود به همراه آورده است:

 - آگاهی‌ها و مهارت‌های بیشتری برای تشکیل خانواده نیاز است.
 - موضوعات متعددی وجود دارد که برای انتخاب رفتارهای مناسب باید به متخصص مراجعه نمود.
 - در مراحل مختلف زندگی، راهنمایی‌های تخصصی در برخورد با پدیده‌ها و محیط بیرونی و روابط زوجیت، تربیت فرزندان و روابط خویشاوندی مورد نیاز شده که پیش از این سطح، تنوع و میزان آن بسیار کمتر و با تجربیات محدودتر قابل پاسخگویی بود. امروز فاصله اطلاعاتی پدر و مادر از نیازها و موضوعات مطرح زیاد شده و نمی‌توانند نظری گذشته در بسیاری موضوعات مورد اعتماد در ارایه مشاوره قرار گیرند. در عین حال نباید این ذخیره بزرگ را نادیده انگاشت لکن باید نظام مشاوره‌ای مکمل را در کنار آن ایجاد نمود. باید توجه داشت به دلیل فقدان اطلاعات لازم و پاره‌ای مسائل مربوط به خرده فرهنگ‌ها در بین

خویشاوندان بعضی از مشاوره‌های درون خانواده به مسیر صواب نمی‌انجامد.

براین اساس، خانواده و اعضای آن در همه مراحل، بیش از گذشته محتاج مراجعته به مشاورین متخصص هستند. این موضوع تا اندازه‌ای مورد نیاز شده که آن را در ردیف مراجعته به پزشک برای نیازهای بهداشتی و درمانی قرارداده است. از طرفی هزینه‌های این مراجعته توسط نهادهای حکومتی پشتیبانی نمی‌شود و به همین دلیل خانواده از راهنمایی مشاورین محروم می‌مانند و در بسیاری موارد اختلالات جدی و حتی طلاق را در پی دارد.

همچنین موضوع مراجعته به مشاور متخصص در نظام اجتماعی ایران یک پدیده نوظهور است و باید ساماندهی ساختاری شده و شاخص فراوانی مشاور در جمعیت نیز افزایش یابد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- مراجعته به مشاور متخصص یک نیاز جدید اجتماعی است و موجب می‌شود از بسیاری بحران‌ها و اختلالات در حوزه خانواده پیشگیری شود.

- پشتیبانی برای تأمین هزینه مراجعته به مشاور، فراوانی مشاورین و سطح دسترسی به آنان و ساختار مشاوره در کشور از مواردی است که باید طی چندین سال در دستور کار نهادهای مسئول قرار گیرد.

۱۵- ایجاد ساز و کار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد موردنیاز برای تشکیل خانواده و کفویت زوجین) به عنوان پیش نیاز ثبت ازدواج.

بررسی دلایل دعاوی خانوادگی و طلاق‌های واقع شده بیانگر آن است که در موارد متعددی پیمان زناشویی از ابتدا دچار اشکال بوده و طرفین با یکدیگر کفو نبوده یا صالح و آماده برای زندگی خانوادگی نبوده اند.

از طرفی خانواده‌ها و جامعه بزرگ‌سال در شرایط کنونی زندگی جدید نمی‌توانند با روش‌های سنتی، این صلاحیت و کفویت را شناسایی کنند. گرچه همچنان این روش‌ها باید در جامعه جاری و بلکه توسعه یابد. در عین حال، با مراجعته به متون دینی، عقل و رشد شرط ازدواج تعیین شده و تشخیص این دو شرط در افراد، یک موضوع علمی است. همچنین تشخیص تناسب و کفویت نیز از به یک موضوع تخصصی و چندبعدی تبدیل شده است و بعد فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی، تحصیلی، شغلی و اقتصادی را دربرمی‌گیرد.

واقعیت آن است که همچنان که آزمایش خون و مشاوره ژنتیک به دلایل پزشکی و بهداشتی، به یک پیش شرط وقوع عقد تبدیل شده، موضوع مشاوره تخصصی درباره صلاحیت و

تناسب و کفویت برای تحکیم خانواده در نخستین گام‌ها و پیشگیری از طلاق و آسیب‌های جبران ناپذیر آن که بسیار فراتر از اختلالات پزشکی و بهداشتی است، نیز باید یک پیش نیاز و قوی عقد تعیین شود.

این امر به تدوین نظام حقوقی و مقررات و ساز و کار اجرایی نیاز دارد که یک جهت‌گیری اساسی و چند وجهی برای ارکان و نهادهای نظام می‌باشد.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- افزایش اختلالات خانوادگی و نرخ طلاق به دلایل متعددی وابسته است. یکی از این دلایل مربوط به صلاحیت‌های ازدواج در زوجین و کفویت و تناسب آنها با یکدیگر است.

برای تشخیص این موضوعات در حال حاضر، نظام حقوقی، رویه و فرآیند علمی وجود ندارد.

۱۶- توانمندسازی هریک از اعضاء خانواده در مسؤولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود با تأکید بر ارتباط بین نسل‌ها و نقش‌های مادری، پدری، همسری و تقسیم کار درون و بیرون خانه.

هریک از اعضاء خانواده دارای نقش‌ها و مسؤولیت‌های همسری، پدری، مادری، فرزندی و جنسیتی (زن/مرد) میباشد که ایفای هریک از این نقش‌ها و مسؤولیت‌ها به درستی، موجب پیشبرد و سلامت و تحکیم خانواده می‌شود.

این موضوعات در آموزه‌های دینی نیز تحت عنوان "حقوق و تکالیف" و "اخلاق در خانواده" مورد عنایت قرار گرفته است.

فرزندان تکالیفی نظیر احترام، اطاعت و تلاش برای جلب رضایت والدین را بر عهده دارند.

هر یک از زوجین نقش‌های جنسیتی خود را در کنار «تقسیم کار در زندگی» ایفا می‌کنند اما مشاهده می‌شود همه اعضاء خانواده نسبت به ایفای نقش خود از توانایی و مهارت کافی برخوردار نیستند. یکی از مهم‌ترین این مهارت‌ها درک متقابل اعضاء خانواده به خصوص زوجین از نیازهای روحی- روانی، جسمی، بهداشتی و ... یکدیگر در موقعیت‌های مختلف و مهارت و آگاهی برای چگونگی رفتار شایسته در مقابل آنها می‌باشد.

کاهش انتقال این مهارت‌ها از نسل گذشته و یا ناکافی بودن این انتقال در زندگی جدید،

نهادهای جدیدی را وارد صحنه می‌سازد تا به آموزش مهارت‌ها و توانمندسازی اعضاء خانواده در مسؤولیت پذیری و ایفای نقش‌های جنسیتی و موقعیتی خود بپردازند.

در اینجا خطاب این بند پیشنهادی به نهادهای اجتماعی، رسانه‌ها، نهاد روحانیت، دستگاه‌ها و نهادهای فرهنگی-آموزشی و اجتماعی کشور است تا با ایجاد ساز و کار لازم در ساختار مدیریتی و برنامه‌های خود به این امر مبادرت ورزند.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- جذایت‌های زندگی جدید، در کنار کاستی‌های آموزشی و تربیتی و تغییر سبک زندگی، موجب شده تا مهارت‌های لازم برای ایفای نقش‌ها و مسؤولیت‌های اعضاء خانواده دچار اختلال شود.

۱۷- طراحی مدل‌های اسلامی-ایرانی برای آشنایی «دختران و پسران به قصد ازدواج» با حفظ حریم عفاف و با نظارت خانواده‌ها.

با گسترش جوامع شهری و تغییر الگوی ارتباطات و مناسبات انسانی در سایه آپارتمان‌نشینی، اشتغال خارج از خانه، بعد مسافت و ... بازشناسی دختران و پسران آماده ازدواج و تشخیص صلاحیت‌های آنان به موضوعی جدید تبدیل شده و رفته رفته محیط‌هایی نظری‌دانشگاه، پارک‌ها و اماکن عمومی جایگزین روابط خویشاوندی و محله زندگی برای انتخاب همسر شده‌اند.

این وضعیت از وجوده مختلف قابل بررسی است :

۱- روش‌های سنتی، کارآمدی خود را از دست می‌دهند. زیرا جوانان با میادین و گزینه‌های متنوعی روبرو هستند و به همین دلیل درباره همسرگزینی و ازدواج بین آنان و خانواده‌ها تعارضاتی به وجود می‌آید.

۲- وضعیت جدید، نه تنها در فرهنگ عمومی ما مقبول نیست بلکه آثار زیانبار آن را به تجربه دریافته ایم.

۳- شرایط کنونی موجب شده تا خصوصاً "دختران" پای‌بند به ارزش‌ها و خانواده مورد شناسایی قرار نگیرند و "سن ازدواج دختران" افزایش یابد.

از این رو، باید متناسب با شرایط جدید، روش‌هایی که بتوانند کارآمد باشند طراحی شود.

این روش‌ها باید توانمند به چند عنصر توجه داشته باشند:

- نظارت و مدیریت خانواده.
- خواست و رغبت نسل جوان.
- کمک‌رسانی مراکز مشاوره‌ای.
- امکان آشنایی قبل از ازدواج.

این یک موضوع پیچیده فرهنگی و اجتماعی است و محتاج تعیین جهت‌گیری کلی است.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- شرایط جدید زندگی موجب تغییر الگوی همسریابی شده است. این تغییر هنوز به یک روش کارآمد و مقبول تبدیل نشده و علاوه بر آنکه خوبی‌های روش سنتی را ندارد کاستی‌هایی دارد که مورد پذیرش نمی‌تواند باشد. در عین حال روش سنتی، رفتارهای کارآمدی خود را از دست می‌دهد.

- شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی ساز و کارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه‌جانبه از آسیب‌دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان.

طلاق پدیده‌ای مذموم نزد شرع و عرف است که خود معلول علل فراوان و متنوع می‌باشد. پرسش

این است که آیا می‌توان از وقوع طلاق و پاشیدن خانواده جلوگیری نمود؟

بی تردید با عناصر و ارزش‌های فرهنگی اسلامی – ایرانی، این امری شدنی است. در جامعه اسلامی نرخ طلاق $61/3$ درصدی برای کشور و 13 درصدی برای استان تهران پذیرفتی نیست. نقطه آغاز برای پیشگیری از طلاق و افزایش آن، شناسایی علمی عوامل طلاق و برنامه ریزی برای کاهش این عوامل در جامعه می‌باشد.

این یک تلاش دائمی خواهد بود و شاید چند دهه کار مستمر را نیاز داشته باشد. از طرفی آسیب‌دیدگان ناشی از طلاق به هر میزانی که باشند خود و جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. عمده‌ترین گروه‌های آسیب‌پذیر در طلاق، زنان و فرزندان هستند. آسیب‌هایی نظیر

فشارهای روانی و عاطفی، مشکلات معيشی، اشتغال، مسکن، آسیب‌های اجتماعی و در مواردی مفاسد اخلاقی تنها عناوین گوشه‌ای از این آسیب‌های است.

چگونگی برخورد با بازماندگان طلاق، یک موضوع برای مدیریت جامعه می‌باشد. به نظر می‌رسد جز در موارد اندک و استثناء، این مدیریت در سطح نظام وجود ندارد و موضوعی در دستور کار نمی‌باشد. حال آنکه بسیاری از مشکلات اجتماعی ناشی از عدم حمایت و مراقبت از بازماندگان طلاق است و در تقابل با جهت گیری مبنایی کشور در تحکیم خانواده می‌باشد.

بر این اساس، باید به این موضوع در جهت گیری‌های کشور توجه ویژه داشت و برای آن تدارک مناسبی فراهم نمود.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- رشد نرخ طلاق در ایران از ۹ درصد در دو دهه قبل به حدود ۵۱ درصد در سه سال قبل و $\frac{61}{3}$ درصد در حال حاضر و بیش از ۱۳ درصد در استان‌های تهران و البرز، زنگ خطر جدی برای بروز آسیب‌های اجتماعی گسترده است.

- بی تفاوتی نسبت به این پدیده، علاوه بر آنکه زینده جامعه اسلامی نیست، به معنای نادیده گرفتن سهم قابل توجهی از جمعیت کشور در برنامه‌ها و مدیریت اجتماعی می‌باشد.

۱۹- حمایت همه‌جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های با سرپرستی زنان

خانوارهایی که سرپرستی آنها با زنان می‌باشد در سال ۱۳۹۰ به ۲۱ درصد از کل خانوارهای ایرانی رسیده‌اند. این درصد، عددی معادل $\frac{2}{4}$ میلیون خانوار را نشان می‌دهد. این در حالی است که در سال ۱۳۸۵ این میزان $\frac{9}{5}$ درصد گزارش شده است.

قطعاً جهت گیری اصلی نظام همانطور که در این سیاست‌های پیشنهادی نیز آمده است تقویت خانواده‌هایی با حضور مرد و زن و فرزندان در کنار یکدیگر است. لکن چشم‌ها در برابر $\frac{2}{4}$ میلیون خانوار زن سرپرست نیز نمی‌توان بست. این خانواده‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبرو هستند. معمولاً مجموعه‌ای از مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی گربیان گیر آنهاست که با توجه به رشد فزاینده تعداد این خانوارها در سال‌های اخیر، رفتارهایی به تغییر جغرافیای اجتماعی و خانوادگی ایران تبدیل خواهند شد.

پاک کردن صورت مسئله، دست یازیدن به راه حل‌هایی نظیر تعدد زوجات و متue که خود

تالی فاسد‌های ویرانگری در جامعه خواهد داشت و کلی گویی دردی را درمان نمی‌کند. مساله مهم به رسمیت شناخته شدن این خانواده‌ها و برنامه‌ریزی جامعه برای مشکلات حقوقی، اقتصادی و فرهنگی آنهاست.

ضورات‌ها و توصیف وضع موجود:

- افزایش خانوارهای زن سرپرست نسبت به کل خانوارهای ایرانی از $\frac{7}{3}$ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۲۱/۱ درصد در سال ۱۳۹۰ و تعداد آن در جمعیت معادل ۲/۴ میلیون خانوار پدیده‌ای غیرقابل چشم‌پوشی است.
- این خانوارها، مسایل متعددی دارند که عدم رسیدگی به آنها آسیب‌های متعدد اجتماعی نظیر مفاسد اخلاقی، اعتیاد، بزهکاری و ... را در پی خواهد داشت.
- ۲۰ مدل‌سازی برای حفظ احترام و کرامت کهنسالان برای مراقبت‌های جسمانی و روحی و عاطفی آنان

جمعیت کشور به سمت کهنسالی حرکت کرده است و طی دو دهه آینده موضوع "کهنسالان" تبدیل به چالشی برای مدیریت کشور خواهد شد.

kehnsalan نیازهای متنوع بهداشتی، درمانی، تغذیه و ... در کنار نیازهای اجتماعی، عاطفی و "مورد احترام قرار داشتن" دارند که تامین آنها از عهده خانواده‌های جوان خارج است.

خانواده‌های جوان که خود دارای مسائل متعددی از قبیل دو شغله بودن و یا شاغل بودن توامان مرد و زن، مدیریت بهداشتی، درمانی، اوقات فراغت، تحصیل، مسکن و ... خود و فرزندان خود را دارند، دیگر نمی‌توانند به همه نیازهای کهنسالان پاسخ‌گویاشنند.

آنچه تحت عنوان احترام و رسیدگی به کهنسالان در ارزش‌های دینی و ملی ما وجود دارد باید به لحاظ روشی، چگونگی دستیابی به آن باز تعریف شود.

این موضوعی حائز اهمیت برای آینده خواهد بود. با پافشاری بدون در نظر گرفتن شرایط و مقتضیات جدید، احترام کهنسالان از بین می‌رود و خواسته ما به ضدخود تبدیل می‌شود. شاهد خواهیم بود عملاً کهنسالان در بین فرزندان دست به دست شوند و نسبت به آنها و نیازهای ایشان بی‌تفاوتی بوجود آید. در مواردی نیز اختلافات خانوادگی زوج‌های جوان به همین دلایل آغاز می‌شود. این واقعیت‌ها را نمی‌توان انکار کرد و یا نسخه‌های شخصی را

برای همه جامعه تجویز نمود. براین اساس، مدل سازی و فرهنگ سازی برای تکریم و احترام کهنسالان و پاسخ‌گویی به نیازهای آنان یکی از جهت‌گیری‌های اصولی در عرصه خانواده می‌باشد. توجه به این نکته لازم است که کهنسالان طیف وسیعی را شامل می‌شود که متناسب با توانایی‌های جسمی، ظرفیت‌های علمی و ذهنی و تجربی، می‌توان مدل‌های متنوعی طراحی نمود که در بسیاری مواقع حتی «احساس مفید بودن» را در آنها زنده نگاه داشت و جامعه را نیز هم‌چنان از تجربیات آنها بهره‌مند ساخت.

ضرورت‌ها و توصیف وضع موجود:

- افزایش کهنسالان در جمعیت ایران، جامعه ایران را با پدیده کهنسالی رویرو خواهد ساخت که با مدل‌های سنتی نمی‌توان پاسخ‌گوی تحقیق ارزشها و تامین نیازهای این بخش از جامعه بود.

سیاستهای ابلاغی (تاکنون)	مستندات از حضرت امام (ره) و رهبر معظم انقلاب	توجهات	سیاستهای پیشنهادی
<ul style="list-style-type: none"> ● تقویت نهاد خانواده (سیاستهای کلی برنامه پنجم) ● از نظر اسلام، خانواده یک رکن بزرگ است. 	<ul style="list-style-type: none"> ● مسأله خانواده خیلی مهم است. ● بروید، ببینید در خانواده‌ها چه خبر است ... طرح‌های بلند مدت (برای خانواده) بریزید. ● خانواده، کلمه طبیه است. 	<p>نص قانون اساسی فقدان این رویکرد در پنج دوره برنامه توسعه کشور عدم تخصیص اعتبارات مناسب برای رسیدگی به امور خانواده تخصیص اعتبارات اندک برای طرح‌های بزرگ و اتلاف اعتبارات بدليل ناقص اجرا شدن فقدان ساختار مناسب برای پیگیری و تحقق سیاست‌های ابلاغی آسیب پذیری خانواده از مناقشات سیاسی تحمیل هزینه‌های اضافی به سید خانواده نظیر طرح‌های خودگرائی بیمارستانها، خودداری مدارس محاسبه خانوار به جای خانواده در سرشماری</p>	<p>۱- محور قرار گرفتن «نهاد خانواده» به عنوان کلمه طبیه اسلام و کانون و نقطه عزیمت نظام برنامه‌ریزی و قانون گذاری کشور در همه عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی.</p>

	<ul style="list-style-type: none"> • مسأله ازدواج در شرع مقدس امر بسیار مهمی است. (رهبری) • آدم تنها، مرد تنها و زن تنها که همهی عمر را به تنها می‌گذراند، می‌داند، از دید اسلام یک چیز مطلوبی نیست. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> • دستور صریح قرآن، سنت نبوی (ص) اجماع اهل نظر بر «ازدواج» و «تشکیل و تحکیم» خانواده به عنوان اصلی ترین راه پیشگیری و درمان آسیب‌های فردی و اجتماعی در مقابل فرهنگ غربی • بالا رفتن سن ازدواج سخت گیری برخی خانواده‌ها و سرایت رویکردهای مادی به ازدواج در بین مردم (تجمل گرائی و ...) 	<ul style="list-style-type: none"> • تبلیغ، ترویج و تسهیل ازدواج و تشکیل و استمرار خانواده به عنوان اصل و محور و امر مقدس و سنت اسلامی و نفی تعجرد در جامعه.
	<ul style="list-style-type: none"> • خانه مطلوب مسلمان، خانه تربیت است. خانه مسلمان خانه علم و اخلاق است. (امام ره) • خانواده در اسلام یعنی محل سکونت دو انسان، محل آرامش روانی دو انسان، محل انس دو انسان، با یکدیگر، محل تکامل یک نفر به وسیله نفر دیگر. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> • دستور صریح قرآن و تفسیر و تبیین عالمان دینی از آموزهای اسلامی. • اختلالات خانوادگی در اثر سوء رفتار و اخلاقیات ترویج بی بند و باری توسط رسانه‌های غربی • برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تصمیمات اجرایی که منجر به ضرورت افزایش ساعات کار برای تأمین معاش و کاهش ارتباطات خانوادگی می‌شود. • فقدان برنامه‌های جامع، بلندمدت و مستمر فرهنگی برای ترویج اخلاقیات در جامعه و خانواده 	<ul style="list-style-type: none"> • فرهنگ سازی و ترویج تعاملات اخلاقی در جامعه و خانواده به عنوان اصلی ترین عامل پایداری خانواده و محوریت سه اصل «رضایت و انصاف»، «خدمت و احترام» و «مودت و رحمت» متقابل برای "آرامش و سکینه" و تحکیم پایه‌های زندگی و حذف موارد مغایر با کیان و اخلاق خانواده در همه نظامات برنامه‌ریزی، قانونگذاری و اجرایی کشور

<ul style="list-style-type: none"> در اسلام یکی از مهم ترین کارها تشکیل خانواده و سپس حفظ بیان خانواده است. (رهبری) غربی‌ها می‌خواهند خانواده‌ها را متلاشی کنند تا فرهنگ این جوامع تضعیف شود و بتوانند سوار اینها شوند. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> هدف قرار گرفتن خانواده در نقشه‌تهاجم فرهنگی و شبکه‌های ماهواره‌ای، مجازی و... ورود شیوه‌ها و رفتارهای غلط به حوزه ازدواج و خانواده و اختلاط آن با سنت‌ها و ارزش‌های اسلامی رایج شدن سنت‌های غلط فرهنگی و اقتصادی در حوزه ازدواج و خانواده برخلاف آموزه‌ها و ارزش‌های اسلامی (کم رنگ شدن قبح طلاق، بی‌بند و باری جنسی، ارزش شدن ظاهر و) 	۴- شناسایی و ترویج ارزش‌های متعالی و سنت‌های ازدواج و خانواده در اسلام و زدودن پیرایه‌های باطل از آن و مقابله دائمی با تهاجم فرهنگی و مؤلفه‌ها و عملکرد مخرب ضدفرهنگی غرب در مرور دنیا خانواده و زندگی خانوادگی.
	<ul style="list-style-type: none"> ضرورت داشتن پشتونه علمی و شناسایی مقتضیات، آسیب‌ها و نیازهای خانواده برای هرگونه حرکت راهبردی و حقوقی در کشور. 	۵- مطالعه مستمر وضعیت آسیب‌ها و نیازها و مسایل خانواده به منظور ایجاد پشتونه اصلاحات و تکمیل نظامات حقوقی و برنامه‌های کشور
	<ul style="list-style-type: none"> مقتضیات و واقعیات جدید در حوزه خانواده و جامعه. ضرورت استمرار بازنگری و اصلاح احکام شرعی نظیر آنچه در مواردی نظیر شرط رضایت همسر اوّل در مورد ازدواج دوم، ارت زن از عرصه، حضانت و ... صورت پذیرفت. چالش‌های موجود در حوزه ضمانت اجرای مفاد قانون و احکام صادره. ناآگاهی برخی قضات نسبت به مسایل خاص زنان و خانواده 	۶- بازنگری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه‌های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و ایجاد ساز و کارهای تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی و دادرسی و ضمانت اجرایی احکام در دعاوی خانواده.

	<ul style="list-style-type: none"> در خانواده، حدود و حقوقی هست و این حقوق به شدت عادلانه و متوازن ترتیب داده شده است. آن‌چه به نام اسلام است و غلط است، آنها را نمی‌گوییم. آن‌چه متعلق به اسلام است. بیانات اسلام و مسلمات اسلام است. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> فقدان ضمانت‌های قانونی برای انجام تکالیف شرعی و حقوقی. "ضمان عاقله"، موسوع بودن مفهوم حسن معاشرت زوجین ، تبیه فرزند - تفاوت غرب و شرع در " کار زن در منزل " و "حضور مرد در منزل " 	<ul style="list-style-type: none"> - وضع قوانین و تنظیم صریح، شفاف، متعادل و متوازن حقوق بین زن و مرد، فرزندان و خویشاوندان خانوادگی براساس بیانات و مسلمات اسلام و ایجاد ضمانتهای اجرایی لازم
		<ul style="list-style-type: none"> ضرورت تعیین نسبت وظایف و علت وجودی هر دستگاه در برابر خانواده (نظری بند ج ماده ۴۱ قانون برنامه پنجم توسعه درخصوص جوانان عدم پاسخ‌گویی قانونی هیچ یک از دستگاه‌ها در قبال خانواده. (عدم تعیین تکلیف اصل دهم قانون اساسی در حوزه اجرا گرچه بصورت رویه دستگاهها انجام می‌گیرد). 	<ul style="list-style-type: none"> - تعیین مسئولیتها و تدوین شرح وظایف و ساختار و تشکیلات دستگاه‌های اجرایی دولتی و نهادهای عمومی متناسب با جایگاه رفیع خانواده.

	<ul style="list-style-type: none"> اگر آن ضوابطی که اسلام در محیط جامعه به عنوان حاکل بنی زن و مرد قرار داده است، بشکند، خانواده خراب می‌شود. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> رویکرد اسلام درباره نحوه معاشرت و ارتباطات اجتماعی زن و مرد در جامعه اسلامی متضمن حفظ و تحکیم بیان خانواده است. این موضوع یا رها شده و مذیریت نمی‌شود، یا به بدترین وجه آن اقدام می‌شود و سلیقه‌ای عمل می‌شود. 	<p>۹- تعیین شاخص‌های حد و مرز روابط زن و مرد در جامعه به منظور حفظ و تحکیم بنیان خانواده و فرهنگ سازی و ارتقاء کیفی نهادهای حکومتی برای نظارت و رعایت آن</p>
	<ul style="list-style-type: none"> مسجد باید رابطه‌ی خود را با جوانانی که ازدواج می‌کنند و حتی با نوزادانی که متولد می‌شوند، برقرار و مستحکم کند. (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> تضعیف کارکرد مسجد و محله و گستره شدن ارتباطات اجتماعی به عنوان مهم‌ترین عوامل جامعه‌سازی و صیانت از فرد و خانواده. سابقه نقش تاریخی مؤثر مسجد و محله در تشکیل، استمرار و حل و فصل مسایل خانواد. 	<p>۱۰- بازتعریف مدل «خانواده، محله زندگی، مسجد» برای حفظ و ارتقای هویت اسلامی و ملی از طریق صیانت از خانواده</p>

		<ul style="list-style-type: none"> • تکیه بر کارکرد انسان‌سازی و جامعه‌سازی خانواده. • سابقه درخشنان خانواده در پیروزی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس. • تأثیر و تأثر متقابل خانواده و برنامه های نظام 	<p>۱۱- جلب مشارکت خانواده برای پیشبرد اهداف و برنامه های کشور در همه عرصه های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی</p>
<ul style="list-style-type: none"> • رفع دغدغه های شغلی، ازدواج، مسکن و آسیب های اجتماعی (جوانان). (سیاست های کلی برنامه پنجم) 	<ul style="list-style-type: none"> • تلاش برای رفع دغدغه هایی از قبیل ازدواج و آینده‌ی شغلی و علمی (جوانان). (رهبری) 	<ul style="list-style-type: none"> • خلاصه شدن همه ذهنیت‌ها، گفتگوها، تلاش‌های اقتصادی و ... خانواده برای آینده فرزندان و «خودفراموشی» و «اکنون فراموشی» آنها و به وجود آمدن خلاء «زندگی» و در نتیجه بحران‌های زناشویی. • تأثیر روحیه نامیدی از آینده در جوانان بر خانواده 	<p>۱۲- طراحی ساز و کارهای مناسب برای رفع دغدغه های آینده درباره اشتغال، ازدواج و مسکن فرزندان و ایجاد فضای بانشاط و شاداب برای خانواده ها</p>
	<ul style="list-style-type: none"> • مرد و زن برای ازدواج و تشکیل خانواده باید عالم به تعلیم و تربیت و قوانین و آداب اسلامی بوده و آنها را اجرا نمایند. (امام ره) 	<ul style="list-style-type: none"> • آگاهی های اندک زنان و مردان و تأثیر آن در طلاق. 	<p>۱۳- آموزش "مسائل ازدواج و خانواده" در نظام تعلیم و تربیت و نهادهای ذی ربط متناسب با سن و جنس</p>

		<ul style="list-style-type: none"> • امکان حل و فصل مسایل خانواده [از پیشگیری تا مراقبت و اصلاح] از طریق مشاورین متخصص. • عدم توانایی پرداخت هزینه‌های مشاوره به دلیل قرار نگرفتن این موضوع در قالب حمایت‌های بیمه‌ای. 	<p>۱۴- سازماندهی و تسهیل دسترسی به نظام مشاوره‌ای قبل، حین و پس از تشکیل خانواده از طریق حمایتهای بیمه‌ای</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • عدم کفویت و عدم صلاحیت‌های [آگاهی، مهارت، توانایی] ازدواج، یکی از علل افزایش نرخ طلاق در ازدواج‌های جوانان می‌باشد. 	<p>۱۵- تدوین نظام حقوقی و ساز و کار اجرایی مشاوره و تشخیص صلاحیت ازدواج (عقل و رشد) و کفویت زوجین به عنوان پیش‌نیاز ثبت ازدواج</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • فقدان یا کمبود توانایی‌های اعضای خانواده برای ایفای نقش‌های خود. مثل : ناتوانی اعضای خانواده در طرح و حل مسائل خود بدور از تشنج و بی‌اخلاقی، نبود درک متقابل و شناخت وظایف 	<p>۱۶- ارتقاء سطح توانایی‌های هر یک از اعضای خانواده در مسئولیت‌پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفای نقش و رسالت خود</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • گسترش زندگی شهرنشینی و کاهش تعاملات خویشاوندی و محله‌ای، فرصت شناسایی دختران و پسران را کاهش داده است. 	<p>۱۷- طراحی مدل‌های اسلامی- ایرانی برای آشنازی دختران و پسران به قصد ازدواج با حفظ حریم عفاف و با نظارات خانواده‌ها</p>

		<ul style="list-style-type: none"> • افزایش نرخ طلاق. • آسیب‌های اجتماعی ناشی از آسیب‌های زنان، فرزندان و مردان به جا مانده از طلاق و مدیریت نشدن آن • فقدان آمار و اطلاعات درخصوص فرزندان طلاق • فقدان ساز و کارگسترده برای مراقبت از فرزندان طلاق 	<p>۱۸- شناسایی مستمر عوامل طلاق و فروپاشی خانواده و طراحی ساز و کارهایی برای پیشگیری از آن و حمایت همه جانبه از آسیب دیدگان ناشی از طلاق بخصوص فرزندان و زنان</p>
<ul style="list-style-type: none"> • حمایت از اقشار محروم و زنان سرپرست خانوار. <p>(سیاست‌های کلی برنامه پنجم)</p>		<ul style="list-style-type: none"> • فزونی آمار خانواده‌های زن سرپرست و مشکلات عدیده اقتصادی و فرهنگی ایشان. 	<p>۱۹- حمایت همه جانبه حقوقی، اقتصادی و فرهنگی از خانواده‌های زن سرپرست</p>
		<ul style="list-style-type: none"> • چالش پیش روی جامعه ایران به دلیل افزایش کهنسالان و کاهش امکان اقتصادی و عملی مراقبت از آنها توسط فرزندان. 	<p>۲۰- مدل‌سازی برای حفظ احترام و کرامت کهنسالان برای مراقبت‌های جسمانی و روحی و عاطفی آنان</p>